

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

بررسی آیه دوم

آیه دوم دال بر این مدعی، آیه 5 سوره مومنون است «وَالَّذِينَ هُمْ لِأُزْوَاجِهِمْ حَافِظُونَ إِلَّا عَلَى أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ» ، این آیه شریفه دو قسمت صدر و ذیل دارد، که در صدر آیه دو قسمت مستثنا منه و مستثنا و استثنا وارد شده است. به کدام قسمت از این آیه شریفه می توانیم بر این مدعی استدلال کنیم؟ مدعی این است که قرار دادن نطفه اجنبی در رحم اجنبیه چه حکمی دارد؟ آیا می توانیم حرمتش را می توانیم از این آیه استفاده کنیم یا نه؟

بیان استدلال به صدر آیه

قسمت اول آیه با قطع نظر از استثنائی که دارد می فرماید «وَالَّذِينَ هُمْ لِأُزْوَاجِهِمْ حَافِظُونَ» بیان استدلال به این قسمت این است که بگوییم: آیه می فرماید «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ» تا اینجا که می گوید؛ مؤمنین کسانی اند که فروج خود را حفظ می کنند (مردان مومن)، یعنی اینکه زن اجنبیه به فروج آنها نگاه کند یا زن اجنبیه فروج آنها را لمس کند یا اینکه این مرد با زن اجنبیه مقاربت نامشروع کند، آیه تمام اینها را خلاف ایمان می داند . بگوییم نظیر آن حرفی که در «يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ» بود، «وَالَّذِينَ هُمْ لِأُزْوَاجِهِمْ حَافِظُونَ» می گوید مرد حفظ الفرج می کند. از چه چیزی؟ متعلقش را ذکر نکرده و حذف المتعلق يدل علي العموم، در نتیجه از همه چیزها حفظ الفرج می کند، یکی این است که اجازه ندهد وحق ندارد این منی خود را و ماء خود را در رحم اجنبیه قرار دهد، حفظ الفرج، نگاه، لمس و مقاربت را شامل می شود و یک مصداق دیگرش این است که حق ندارد ماء خود را ولو بوسیله ابزار در رحم دیگری قرار دهد.

بیان استدلال به ذیل آیه

ذیل آیه شریفه که دارد «فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ» ذیل آیه شریفه هم می شود استدلال کرد، منتهی در ذیل آیه شریفه نیازی به این قاعده حذف المتعلق يدل علي العموم نداریم . اگر فقیه بخواهد به صدر این آیه مراجعه کند به قاعده حذف المتعلق يدل علي العموم نیاز دارد، اما اگر بخواهیم به ذیل آیه مراجعه کنیم، «ذلك» این است که مردان فروج خود را حفظ می کنند مگر برای دو دسته؛ یکی زنهای خود و دیگری کنیزهای خود. «وَرَاءَ ذَلِكَ» اطلاق و عمومیت دارد، یعنی اگر مردان برای غیر از این دو دسته فروج را حفظ نکردند مطلقا یعنی یک مصداقش این است که ماء خود را در رحم اجنبیه قرار دهند. که این هم یک مصداق وراء ذلك است اینجا تجاوز کارند و از حد الهی تجاوز کرده اند.

فرق استدلال به صدر آیه با استدلال به ذیل آیه

ما برای استدلال به صدر آیه می توانیم مراجعه کنیم به انضمام این قاعده و ذیل آیه هم می توانیم استدلال کنیم اما در استدلال به ذیل، نیازی به ضمیمه کردن این قاعده وجود ندارد .

استفاده قانون کلی از آیه

نکته ای که وجود دارد این است که آیا می توانیم از این آیه استفاده کنیم که خداوند متعال می خواهد قانون کلی راجع به فروج بیان کند؟ آیا از آیه می توان استفاده کرد که در اسلام خداوند متعال یک قانونی برای فروج دارد و می گوید فرج مرد فقط برای زن خودش و کنیز او حلال است و غیر از این هر چه باشد حرام است، در نتیجه از آیه شریفه حرمت محرمات متعددی را استفاده کنیم، بر طبق این آیه، زنا ، لواط ، مساحقه، تفخیز و استمناء حرام است، که حتی در بعضی از روایات استمناء را امام (ع) سوال شده است که از کجای قرآن استفاده کرده اید که استمناء حرام است؟ حضرت فرموده اند از این آیه «فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ» البته نکته دیگری وجود دارد که آیا این آیه شامل زنها هم می شود. و یکی از چیزهایی که حرام می شود این است که نطفه مرد در رحم اجنبیه قرار داده شود . یعنی اگر ما گفتیم آیه قانونی را راجع به فروج بیان می کند و می گوید لازم نیست مرد از زن و کنیز خود حفظ الفرج کند اما ما وراء این حرام است و عمومیت دارد. نتیجه اش این است که برای هر مورد اجازه شرعی می خواهیم.

اصل اولی در مسأله

ما قبل از اینکه بحث آیات و روایات را مطرح کنیم گفتیم اگر به یک اصولی بگویند که در شبهه تحریمیه، مثلاً نمی دانیم که قرار دادن نطفه در رحم اجنبیه حرام است یا نه؟ می گوید همه اصولیین اصالة البرائة عقلي و نقلي را جاری می کنند الا یک دسته از علما که اخباری ها هستند. اما اگر ما باشیم و این آیه ، آیه شریفه می فرماید در مورد فروج قانون اولی تحریم است الا در دو مورد؛ ملک یمین و ازواج، در غیر اینها هر چه باشد حرام است.

بررسی استدلال به آیه

درست است که ما نسبت به آن بیان حذف المتعلق يدل علي العموم اشکال کردیم. اما ذیل آیه نیازی به ضمیمه کردن این قاعده حذف المتعلق ندارد، چون خودش اطلاق و عموم دارد، می فرماید «فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ» و تمام اینها را شامل می شود و نتیجه می گیریم که قرار دادن در رحم اجنبیه جایز نیست.

بحث اشتراک تکالیف بین زن و مرد

اینجا دو بحث وجود دارد. یک بحث این است که آیا بر این مرد اجنبی جایز است از غیر طریق زنا نطفه را در رحم اجنبیه قرار دهد یا نه؟ یعنی اگر از مردی نطفه ای را گرفتند و در رحم اجنبیه قرار دادند این می شود أُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ و مرد حفظ الفرج نکرده و حرام مرتکب شده؟ دوم اینکه زن هم حفظ الفرج نکرده، چون وقتی می گویم آیه از روی قاعده اشتراک تکالیف بین زن

و مرد فرقي ندارد، زن هم بايد از غير شوهرش حفظ الفرج کند.

اينجا اگر مرد خودش از غير طريق زنا نطفه را در رحم اجنبي قرار دهد بگوئيم اين يك حرام و زن هم چون فرج خود را براي غير شوهرش قرار داده حرام دومي را مرتكب شده است . پس كساني كه مي خواهند بگويند تلقيح نطفه اجنبي براجنبيه حرام است بايد دو حرام را ملتزم شوند. آيه مي فرمايد «وَالَّذِينَ هُمْ لِأُفْوَاجِهِمْ حَافِظُونَ» قاعده اشتراك مي گويد زنها هم همينطور. آيه ديگري در سوره احزاب مي فرمايد «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ» تا مي رسد به اينجا كه مي فرمايد «وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ» آیا ملتزم مي شوند به اينكه دو حرام مي شود هم مرد مرتكب حرام مي شود كه هم زن؟ مي گویند وقتي مي گوئيم تلقيح نطفه اجنبي به اجنبیه حرام است هر دو را شامل مي شود. اين نکته ديگري بود كه بايد بگوئيم آيه هم شامل مردها مي شود و هم شامل زنها.

اما اگر كسي قاعده اشتراك را قبول نكرد و گفت اين آيه مختص به رجال است، باز هم در استدلال ضرري وارد نمي كند چون اين بيان استدلال كه عرض كردم ايه مي گويد مرد با يد فرج خود را بر غير زن و كنيز خود حفظ كند، يعني نبايد بگذارد اجنبیه به او نگاه كند و لمس كند و تمتع ببرد، مصداق ديگرش هم اين است كه مرد نبايد بگذارد ماء او در رحم اجنبیه قرار بگيرد، لذا اگر كسي در قاعده اشتراك اشكال كرد و گفت اين آيه فقط اختصاص به رجال دارد از اين نظر ضربه اي به استدلال وارد نمي شود . در مقام استدلال هميشه – بر طبق نظر والد معظم خودمان كه هميشه از اين روش وارد مي شوند – بايد محكم وارد شويم، يا بايد به صدر اين آيه مراجعه شود و يا به ذيل آن، و گفتيم در استدلال به اين آيه شريفه فرقي نمي كند كه قاعده اشتراك را جاري كنيم يا نه يك چنين استدلالی هست.

نقد استدلال به آيه دوم

آيا استدلال به اين آيه تمام است يا نه؟ اولين اشكال نظير اشكالاتي است كه در روايات وارد كرديم و گفتيم كه اگر نطفه اين مرد را مركزي بگيرد و در رحم زن اجنبیه قرار دهد صدق نمي كند كه بگويد اقر، و اصلا استناد به آن مرد ندارد و چه بسا آن مرد خبر ندارد. اگر مردی نطفه اش در جايي ريخته شد و مركزي آمد و آن را در رحم اجنبیه قرار داد اينجا نمي گويند كه مرد حافظ فرج نبود.

اگر ماء را مستقيماً و از طريق مقاربت نامشروع در رحم زن قرار داد، نه به جهت اين كه ماء در رحمش قرار گرفته بلكه به جهت مقاربت نامشروع مي گويند حفظ الفرج نكرده است، حتي در مقاربت نامشروع كه مرد زنا كرد و مني خود را در رحم اجنبیه قرار داد مي گويند دو مخالفت با فرج و حفظ الفرج كرده است؛ يكي از جهت زنا و يكي از جهت اينكه مني را در رحم اجنبیه قرار داده است. نه اينطور نيست و قرار دادن مني از مصاديق حفظ الفرج نيست و اگر از طريق زنا نبوده و از طريق وسائل بوده نمي گويند مرد حفظ الفرج نكرده.

اينجا براي استدلال بايد سراغ زن برويم و اگر كسي گفت قاعده اشتراك را قبول داريم و اين آيه شامل مردان و زنان است و زن بايد حفظ الفرج كند مگر نسبت به شوهر خود، اينجا عيبي ندارد اگر زني اجازه داد ماء مرد اجنبي در رحم او قرار بگيرد اينجا ما مي توانيم پذيريم كه زن حفظ الفرج نكرده و عرف هم مساعد با اين است. اگر ما باشيم و قاعده اشتراك و اين آيه هم مشترك باشد مي توان گفت كه زن حفظ الفرج نكرده، اما مرد خلافي مرتكب نشده است.

نقد تفسیر آیه با روایات

اما همه این حرفها با قطع نظر از روایات وارده است . ما دیروز روایتی را خواندیم که هر کجا در قرآن حفظ الفرج آمده باشد مقصود زنا است الا آیه 31 سوره نور که می فرماید «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّونَ مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُونَ فُرُوجَهُمْ...» و قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ» [] روایت معتبر وارد شده بود که مقصود از حفظ الفرج در آیه سوره نور نگاه است، اما در جاهای دیگر مقصود زنا است . در این آیه شریفه ما می توانیم بگوییم اشکال دوم این است که در این آیه شریفه اولاً قرینه داخلیه داریم و خود این استثنا که می فرماید «إِلَّا عَلَى أَزْوَاجِهِمْ» یا بر ازواج یا بر آنهایی که ملک یمین هستند، ارتباط مرد با زوجهای خودش فقط مقاربت و لمس است و آیه در مورد مقاربت است و «فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ» یعنی اگر مقاربت غیر مشروع انجام دهد، و آیه خودش قرینه داخلی دارد که مراد زنا است. اگر آیه هم نباشد در روایت وارد شده که هر کجا مقاربت وارد شود مقصود زنا است الا آن آیه در سوره نور . فقط باقی می ماند یک روایت که مجالی نشد آن را پیدا کنم، اگر در جایی از «فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ» استفاده شده باشد برای حرمت استمناء، درست است که «الَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ» برای زنا است، اما «فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ» همه را شامل می شود زنا و لواط و استمناء و... . همه را شامل می شود، اگر اینها را شامل شد و اشتراک را در این آیه قائل شدیم می توانیم بگوییم اگر زن منی دیگری را در رحم خود قرار داد می شود «ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ».

و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطاهرين.